

تولید



آماده‌سازی نهایی موسی کلیم‌الله

آماده‌سازی فنی نسخه سینمایی و پیش‌نمایش «موسی کلیم‌الله (ع)» محصول سیمافیلم، شامل مراحل ویژوال، موسیقی، صداگذاری و... به‌منظور حضور در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر در مراحل پایانی است.

این نسخه پیش‌نمایش از «موسی کلیم‌الله (ع)» روایتگر تولد حضرت موسی (ع) است.

مریلا زارعی، علیرضا کمالی، بهنام تشکر و بهاره کیان‌افشار با حضور فرهاد آئیش همچنین شکیب شجره، مریم سردمی، توفان مهر‌دادیان، مسعود رحیم‌پور، کامبیز امینی، بهار نوحیان و بازیگران کودک گندم شیخی و دل‌ساح محمدی در این اثر به ایفای نقش پرداخته‌اند.

پیش از این محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی با همراهی مسئولان صداوسیما در روزهای پایانی فیلمبرداری نسخه سینمایی این پروژه، سر صحنه آن حضور پیدا کرد و از نزدیک در جریان مراحل تولید این اثر قرار گرفت و از کارگاه‌ها و استودیوی بزرگ جنبی سریال دیدن کرد. نسخه پیش‌نمایش «موسی کلیم‌الله (ع)» مانند نسخه سریال آن با تکنولوژی نوین تولید مجازی آماده می‌شود که بخشی از تکنولوژی آن توسط جوانان متخصص کشور زیر نظر ابراهیم حاتم‌ی کیا بومی شده است.

فیلم و سریال «موسی کلیم‌الله (ع)» محصول مرکز سیمافیلم است و عوامل این پروژه بعد از اتمام و آماده‌سازی این نسخه، اقدامات لازم برای فیلمبرداری فصل اول سریال را آغاز خواهند کرد.

پلان

آخرین پروژه دیوید لینچ که ناکام ماند

مدیرعامل نتفلیکس ادعا کرده که دیوید لینچ فقید در حال کار روی یک سریال کوتاه برای نتفلیکس بود که می‌توانست آخرین پروژه باشد. به گزارش مهر به نقل از ورن‌آف ریل، با درگذشت دیوید لینچ، کارگردان برجسته آمریکایی، موجی از ادای احترام درباره وی و آثارش در شبکه‌های اجتماعی جاری است. اکنون تد ساراندوس، مدیرعامل نتفلیکس، می‌گوید دیوید لینچ در حال ساخت یک سریال محدود جدید برای نتفلیکس بود که در گذشت.

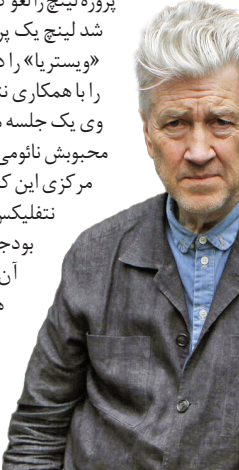
ساراندوس روز جمعه در اینستاگرام یادداشتی برای ادای احترام به لینچ به اشتراک گذاشت و حین آن توضیح داد که این فیلمساز پیشنهاد ساخت یک سریال کوتاه را به نتفلیکس داده بود و آنها هم با آن موافقت کرده بودند.

وی ضمن یادآوری نخستین باری که با دیوید لینچ سال‌ها پیش ملاقات کرده و چند ساعت را در خانه او و اتاق‌نمایش گذراند و بخش‌های کات‌شده «جاده مالپالند» را دیده، درباره این سریال جدید نوشت: این کار دیوید لینچ بود؛ پراز رمز و راز و خطر اما می‌خواستیم با این نابغه این مسیر خلاقانه را طی کنیم. اول گوید، بعد برخی عدم‌قطعیت‌های بهداشتی منجر به این شد که این پروژه هرگز تولید نشود، اما ما به‌صراحت اعلام کرده بودیم که به محض اینکه او توانست، همه ما آماده شروع کار هستیم.

ساراندوس در ادامه از آثار لینچ به‌عنوان قابل توجه، روایی، جسور و هنرمندانه یاد کرد و گفت: او به قصد داشت برای ما بسازد، به پروژه‌ای که می‌توانست آخرین پروژه‌اش باشد، فکری این کمپانی داشت و گفته شد.

وی افزود: دیوید لینچ نابغه‌ای بود که بهانه نمی‌آورد. نمی‌خواست شما کار او را بفهمید. می‌دانست این غیرممکن است و این بخشی از سفری بود که با او می‌شد طی کرد. به این ترتیب ساراندوس ادعا کرده که این اطمینانی‌های بهداشتی و کووید بوده که موجب شده لینچ پروژه را به تأخیر بیندازد و همه آنها آماده بودند تا به محض اینکه او آماده‌شد، کار را شروع کنند، اما برای خیلی‌ها این تصور وجود دارد که نتفلیکس

پروژه لینچ را لغو کرده است. سال ۲۰۱۹ گفته شد لینچ یک پروژه جدید مرموز با عنوان «ویستا» را در دست ساخت دارد و آن را با همکاری نتفلیکس می‌سازد. حتی وی یک جلسه مشترک با حضور بازیگران محبوبش نانومی واتس و لورا درن در دفتر مرکزی این کمپانی داشت و گفته شد نتفلیکس ۱۳ قسمت یک‌ساعته با بودجه ۸۵ میلیون دلاری برای آن کنار گذاشته است، اما هرگز تأیید نشد؛ هرچند در فهرست هفتگی تولید هالیوود گفته شد تولید این سریال برای ماه می ۲۰۲۱ در نظر گرفته شده است.



دل‌تنگ شخصیت ترنم خواهم ماند
عاطفه حبیبی، بازیگر سریال «قریبا»: بازی در نقش ترنم برای من خیلی جذاب و شیرین بود؛ شخصیت ترنم دارای لایه‌های مختلفی بود. همیشه دل‌تنگ ترنم خواهم بود. من تمام تلاشم را برای این نقش کردم و امیدوارم مردم از بازی‌ام راضی باشند. / اصبا



بودجه برنامه هزار و یک به دلیل هزینه ساخت دکور بالا رفته است
سیدمحمدرضا خوشنرو، مدیر شبکه نسیم: برنامه هزار و یک به‌دلیل درخواست مکرر مردم و علاقه آنها به شخصیت «جناب‌خان» ساخته شد. هیچ‌کس در این برنامه دستمزد عجیب و غریبی دریافت نمی‌کند. هزینه‌های ساخت برنامه‌های تلویزیونی، به‌ویژه با دکور و ساختاری به این وسعت، بالا رفته است. / سینماپرس



بخندیم یا بترسیم؟

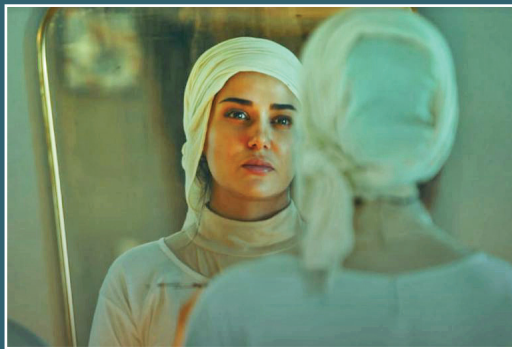
قسمت اول سریال پر حاشیه «آزایل» خیلی مورد توجه مخاطبان قرار نگرفت



گزارش

شقایق عرفی نژاد روزنامه‌نگار

سریال «آزایل» پس از حواشی فراوانی که کمپین تبلیغاتی‌اش ایجاد کرد بالاخره منتشر شد، اما در نخستین قسمتش نتوانست نظر مخاطبان و منتقدان را چندان جلب کند. سومین ساخته حسن فتحی برای شبکه نمایش خانگی برخلاف ۲ سریال دیگرش که ملودرام‌هایی تاریخی بودند، سریالی در ژانر وحشت است؛ گونه‌ای که کمتر در ایران به‌خصوص در سریال‌سازی می‌توان نمونه‌هایش را سراغ گرفت؛ مگر یکی دو سریال مثل «او یک فرشته بود» (اگر بتوان آن را در ژانر وحشت دسته‌بندی کرد) و «خواب‌زده» ساخته شکست‌خورده سبروس مقدم برای شبکه نمایش خانگی. خود حسن فتحی هم اصولا به واسطه ملودرام‌های تاریخی‌اش برای مخاطب شناخته شده است و البته پیش از این در فیلم «پستچی سه بار رنگ نمی‌زند» فضایی متفاوت از کارهای دیگرش ارائه داد. او حالا بعد از سریال پر مخاطب شهرزاد و همینطور جیران که ماجرای ناصرالدین‌شاه و عشقش به جیران تجربی بود، سراغ گونه‌ای کاملاً متفاوت رفته و ژانر وحشت را با آزایل تجربه کرده است. اما آیا او در این ژانر موفق است؟ دست‌کم قسمت اول با ضعف‌هایی که کم‌کم هیستند، چنین نویدی نمی‌دهد.



عیب‌ها و هنرهایش

اولین نکته مثبت سریال همان تفاوت ژانر است که به آن اشاره شد. در شرایطی که تقریباً تمام سریال‌های شبکه نمایش خانگی در ژانر تازه کشف‌شده عربده و پر از لمپنیسم، نزاع، دزدی و کلاهبرداری هستند، حسن فتحی گونه دیگری را به وی‌اودی‌ها اضافه کرده است. همین یک نکته جدا از موفقیت یا ناموفق بودن، یک امتیاز محسوب می‌شود. از سبوی دیگر موفق شده در لحظاتی ترس و استرس را به مخاطبش منتقل کند؛ ضمن اینکه بازی‌های روان و قابل‌قبولی در آن می‌بینیم. (هر چند پیش‌تر از بابک حمیدیان بازی‌های بهتری دیده‌ایم).

آزایل می‌توانست پایلوت بهتری داشته باشد، اگر چند داستان را به شکل پراکنده با هم پیش‌نبرده بود تا تماشاگرش را آشفته کند. می‌توانست در ایجاد حس ترس در بیننده‌اش موفق‌تر باشد، اگر در تکرار آنچه قرار است وحشت ایجاد کند، دست و دلباز نبود؛ ضمن اینکه باید به لباس و گریم هم توجه بیشتری می‌شد مثل گریم و لباس بابک حمیدیان که کلمه در دستش باسهم‌های است و گریم شخصیت مرچان که در شب مهمانی گم می‌شود که بسیار اغراق شده و باز هم کلیشه‌های است. در مورد ایجاد ترس هم به جز چند لحظه از سریال این حس به تماشاگر منتقل نمی‌شود.

ناکام در انتقال حس وحشت

منتقدان، آنها که درباره آزایل نوشته‌اند، رویکرد فتحی به سریال‌سازی در ژانر کمتر تجربه‌شده در ایران را تصمیمی جسورانه عنوان کرده‌اند، اما بیشتر آنها موفق‌اند که عنصر وحشت در سریال درست طراحی و منتقل نشده است. یکی از منتقدان معتقد است فتحی برای خلق لحظات وحشت‌آز جلوه‌های صوتی به مقدار زیاد استفاده کرده است؛ بنابراین این صحنه نیست که شما را به وحشت می‌اندازد، بلکه صداست که دل‌پاره ایجاد می‌کند؛ به همین دلیل حداقل در قسمت اول برای خلق ژانر وحشت متوسل به کلیشه‌ها شده و به جز شکی دو مورد موقعیت ترسناک شکل گرفته و جواب نداده است. او می‌گوید: «در ژانر وحشت باید به نکات ریز دقت کرد. باید موقعیت را بشناسید، بدانید سکانس‌تان چقدر طولانی است و تا چه حد می‌توانید استرس مخاطب را حفظ کنید. در این سریال به دلیل اینکه سکانس‌ها تقطیع شده‌اند، این حس استرس ایجاد نمی‌شود.» او به عروسکی که به نماد این سریال هم تبدیل شده و مقابل شخصیت‌ها قرار می‌گیرد، اشاره کرده و گفته وقتی چندبار این عروسک را می‌بینیم، باید یک کارکرد داشته باشد، اما هیچ کاری نمی‌کند؛ ضمن اینکه چندین‌بار دیدن آن ترس و ابهامش را از بین می‌برد.

بسته‌ای در هم از خوب و بد

منتقد دیگری به نبود استوری‌بورد در سریال اشاره کرده است. او می‌گوید: «نبود استوری‌بورد پیش از تولید و بداهه‌سازی سر صحنه نتیجه‌اش می‌شود فضا و جهانی آشفته پیش چشم تماشاگر که شاید حتی متوجه نشود چرا احساس آشفتگی می‌کند.» این منتقد سریال را بسته‌ای از عناصر خوب و بد می‌داند که کنار هم قرار گرفته‌اند: «سریال پلان‌های خوب دارد که کنار پلان‌های بد قرار گرفته‌اند. دیالوگ‌های خوب در کنار دیالوگ‌های بد هستند. تدوین خوب و بد در کنار هم قرار دارند که باز در تماشاگر احساس آشفتگی ایجاد می‌کند.» به هر حال آزایل تازه مسیرش را شروع کرده و برای اینکه بداند موفق بوده یا نه هنوز بسیار زود است. اما یک مسئله کلی در صنعت سرگرمی‌سازی ایران وجود دارد که باعث نگرانی است؛ اینکه تماشاگر ایرانی به آخرین سریال‌های دنیا با کیفیت‌ها و ساخت‌های استاندارد دسترسی دارد و در این شرایط سازندگان ایرانی کار سختی برای جذب مخاطب دارند. آنها اما ظاهراً پدیرفته‌اند قدرت مقایله با این سریال‌ها را ندارند و در نتیجه برای کسانی می‌سازند که مخاطب سریال‌های خارجی نیستند.



در شرایطی که تقریباً تمام سریال‌های شبکه نمایش خانگی در ژانر تازه کشف‌شده عربده و پر از لمپنیسم، نزاع، دزدی و کلاهبرداری هستند، حسن فتحی گونه دیگری را به وی‌اودی‌ها اضافه کرده است.

آزایل می‌توانست پایلوت بهتری داشته باشد، اگر چند داستان را به شکل پراکنده با هم پیش‌نبرده بود تا تماشاگرش را آشفته کند. می‌توانست در ایجاد حس ترس در بیننده‌اش موفق‌تر باشد، اگر در تکرار آنچه قرار است وحشت ایجاد کند، دست و دلباز نبود؛ ضمن اینکه باید به لباس و گریم هم توجه بیشتری می‌شد مثل گریم و لباس بابک حمیدیان که کلمه در دستش باسهم‌های است و گریم شخصیت مرچان که در شب مهمانی گم می‌شود که بسیار اغراق شده و باز هم کلیشه‌های است. در مورد ایجاد ترس هم به جز چند لحظه از سریال این حس به تماشاگر منتقل نمی‌شود.

احتمال تعویق برگزاری مراسم اسکار

معرفی نامزدهای اسکار به زمانی دیگر موکول شده و برخی می‌گویند وقتی لس‌آنجلس سوخته چرا باید این مراسم برگزار شود

نخواهد کرد. او همچنین گفت درحالی‌که ویرانی‌های وسیعی لس‌آنجلس را فرا گرفته، باید مراسم اسکار لغو شود. مراسم اسکار امسال قرار است روز یکشنبه، ۲۸ مارس (صبح دوشنبه ۱۳ اسفند به وقت ایران)، در دالی تئاتر هالیوود برگزار شود. کینگ در پست خود نوشت: به اسکار امسال رأی نمی‌دهم. آنها باید لغوش کنند. با آتش‌سوزی لس‌آنجلس، هیچ‌حالی وجود ندارد. آتش‌سوزی‌های لس‌آنجلس تاکنون موجب شده تا آکادمی اسکار زمان رأی‌گیری را تمدید کند و اعلام نامزدها را تا پنجشنبه ۲۲ ژانویه به تعویق بیندازد؛ درحالی‌که ابتدا قرار بود فهرست نامزدها ۱۷ ژانویه منتشر شود. آکادمی اسکار

چند روز پیش اپیزا رولسیتی، بازیگر سرشناس ایتالیایی، تصویری از مجسمه نیم‌سوخته اسکار در میان خاکستر آتش‌سوزی‌های گسترده لس‌آنجلس در صفحه شخصی‌اش منتشر کرد. حالا استیون کینگ می‌گوید نمی‌خواهد در رأی‌گیری اسکار شرکت کند. نکته اینجاست؛ وقتی لس‌آنجلس سوخته است، برگزاری مراسم اسکار چه معنایی می‌دهد؟ استیون کینگ اعلام کرد امسال با توجه به آتش‌سوزی در لس‌آنجلس در رأی‌گیری اسکار شرکت



کوتاه‌تر از گزارش

ردپای ترور در فیلم‌های ایرانی

از تعقیب سایه‌ها تا هناس

فیلم‌های اکشن تروریستی و نگاهی به تاریخ معاصر و قصه‌هایش همیشه برای فیلمسازان جذاب بوده و تماشای این نوع فیلم‌ها برای تماشاگران علاوه بر جذابیت، هیجان و حتی اضطراب و... دارد. بخشی از بهترین و بزرگ‌ترین فیلم‌های جهان نیز با موضوعات جاسوسی، امنیتی و اتفاقات تروریستی ساخته شده‌اند. در ایران نیز درام‌های جاسوسی و امنیتی و داستان‌های مبتنی بر اتفاقات تروریستی جزو پرطرفدارترین آثار به حساب می‌آیند که البته در ساخت فیلم‌ها براساس این اتفاقات برای فیلمسازان ایرانی محدودیت‌هایی وجود دارد؛ محدودیت‌هایی که باعث شده کمتر کارگردان ایرانی به این قصه‌ها رجوع کند. عمده آثار تولیدشده در دهه اخیر با فاصله زمانی با اتفاقات صورت گرفته، تولید شده‌اند. با ورود نسل جدید فیلمساز، توجه به سینمای امنیتی – جاسوسی و ترورهای صورت گرفته در تاریخ معاصر ایران، در این اواخر بیشتر شده است. در دهه ۶۰ و ۷۰ کمترین فیلم‌ها در این زمینه ساخته شده، اما در دهه ۹۰ تولید فیلم درباره ترورهای صورت گرفته در تاریخ معاصر ایران بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

«تعقیب سایه‌ها» علی‌شاه حاتم‌ی

علی‌شاه حاتم‌ی «تعقیب سایه‌ها» را سال ۶۹ براساس فیلمنامه‌ای از رضا متقیان ساخت. این فیلم در دهه پرتلاطم ۶۰ ساخته شد؛ روزگاری که ایران آماج ترورهای بود که با سرדستگی سازمان منحوس منافقین اتفاق می‌افتاد. کارگردان همین ماجرا را دستمایه اثر خود قرار داده بود؛ انفجار خودرویی که موجب مجروح شدن عده زیادی از مردم عادی می‌شود. شاه‌حاتمی در «تعقیب سایه‌ها» داستانی پر از تعقیب و گریز را آن زمان ساخت. این فیلم در آن سال‌ها در گیشه فروشی متوسط داشت.



«روبه» بهروز افخمی

۲۰سال بعد از «روز شیطان» افخمی دوباره تریلری جاسوسی را با موضوع ترور جلوی دوربین برد که به اندازه «روز شیطان» از آن استقبال نشد. این فیلم مرتبط با مسائل امنیتی و جاسوسی در حوزه انرژی هسته‌ای است. «روبه» درباره یک عملیات تروریستی علیه دانشمندان هسته‌ای است.



«بادیگارد» ابراهیم حاتم‌ی کیا

ابراهیم حاتم‌ی کیا در ادامه روند فیلمسازی خود که همیشه موفقه‌هایی چون جنگ، چیچه و... را دارد، این‌بار در سال ۱۳۹۴ «بادیگارد» را ساخت؛ فیلمی با بازی پرویز پرستویی و بابک حمیدیان. حاتم‌ی کیا در این فیلم درباره ۲ گروه شغلی، محافظان شخصیت‌ها و دانشمندان هسته‌ای حرف می‌زند.



«ماجرای نیمروز» محمدحسین مهدویان

یک سال بعد از «بادیگارد» محمدحسین مهدویان که آن روزها کارگردان شناخته‌شده‌ای نبود، سوژه ترورهای سازمان مجاهدین خلق را در «ماجرای نیمروز» به تصویر کشید. او بعد از «یستاده در غبار» که میان منتقدان مقبول بود، در سال ۱۳۹۵ «ماجرای نیمروز» را ساخت. داستان فیلم از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ با خواندن بیانیه منافقین شروع می‌شود که تهدید به حملات مسلحانه می‌کند.



«روز صفر» سعید ملک‌ان

سال ۱۳۹۸ فیلم پرسر و صدای «روز صفر» ساخته شد؛ فیلمی با موضوع تروریستی بمب‌گذاری در نقاط مختلف کشور که در آن امیر جدیدی نقش کلیدی را بازی کرد. فیلم روایتی است از ماجرای دستگیری ریگی و خنثی‌سازی عملیات تروریستی او با اسم رمز «روز صفر» که قرار بود به شکل هم‌زمان در چند نقطه استراتژیک شهرهای بزرگ انفجارهای مهیبی رخ دهد.



«ضد» امیرعباس رفیعی

«ضد» یکی از متفاوت‌ترین فیلم‌های سیاسی و درباره ترور هفتم تیر است که تولید شده و به نمایش درآمده است. قصه این فیلم سینمایی از اسفند ۱۳۵۹ آغاز می‌شود و تا اواخر سال ۱۳۶۰ ادامه دارد. «ضد» درباره واقعه تروریستی ۷ تیر است و داستان محمدرضا کلاهی را روایت می‌کند. عنوان شده که وقایع فیلم «ضد» براساس ده‌ها مصاحبه‌ای که با شاهدان انجام شده پیش می‌رود، اما لزوماً نمی‌تواند براساس واقعیت باشد و کارگردان هم اصراری بر اینکه قصه فیلم تریلر – سیاسی‌اش واقعی است، ندارد.



«هناس» حسین داریی

«هناس» برداشتی آزاد از زندگی یک دانشمند هسته‌ای است و به داستان ترور او می‌پردازد. قصه از زاویه دید همسر او روایت می‌شود که زمانی که زندگی‌اش را در آستانه فروپاشی می‌بیند، تمام تلاشش را برای حفظ آن می‌کند. فیلم موضوعی ملی‌گرایانه دارد و دارای تلاش کرده ماجرای ترور یک دانشمند هسته‌ای را از زاویه‌ای ملی روایت کند.

